

چه کسی برنده انتخابات آمریکا را تعیین می کند: مردم یا رسانه ها؟

سرمقاله

نیاز به راه حل دیپلماتیک برای حل بحران مرزی با پاکستان

محمد رضا هویدا

کمر کسی در دنیا خواهان جنگ با همسایگان خود است. هر چند اختلافات مرزی میان بسیاری از کشورها جهان وجود دارد ولی بروز جنگ و ناآرامی میان کشورها، همیشه فاجعه بار بوده و هست. آنچه در تورخم اتفاق افتاد در قدم اول نشان دهنده وضعیت شکننده روابط دو کشور افغانستان و پاکستان است و ثانیاً نیاز به دیپلماسی فعال میان دو کشور را بیش از هر زمانی به نمایش می گذارد. دیورند میان افغانستان و پاکستان به عنوان یک مسئله بزرگ و قابل توجه همیشه بوده و نیاز دارد تا به این مسئله با دید ملی و منافع و مصالح کلان ملی نگریسته شود. در عین حال، در صورت بروز مشکلاتی در خصوص نظیر آنچه در تورخم رخ داد، دولت مردان در هر دو کشور باید به سرعت و جدیت هر چه بیشتری به سوی حل مشکل با ابزارها دیپلماتیک بشتابند.

شکی در این نیست که در حال حاضر نه افغانستان و نه پاکستان از چنین وضعیتی سود نمی برند. این دو کشور به آرامش و ثبات نیاز دارند، هر دو کشور در معرض تهدید تروریسم هستند، هر دو کشور روابط کلان اقتصادی دارند، هر دو کشور روابط دیرینه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دارند، هر دو کشور برای مبارزه با تروریسم نیاز به همکاری همدیگر دارند، هر دو کشور برای رسیدن به صلح و ثبات به همکاری همدیگر نیاز دارند. لذا جنگ همه چیز را بر باد خواهد داد، و در عوض بی اعتمادی و حس انتقام را بیشتر خواهد کرد و این دقیقاً همان چیزی است که دشمنان هر دو کشور می خواهند و برای آن تلاش می کنند. مطمئناً افراط گرایان از این حادثه خوشحال شده اند و برای تشدید آن نیز تلاش خواهند کرد. مطمئناً در حالی که دو کشور در حال آمادگی بیشتر نظامی در مرزهای خود هستند، طالبان و دیگر گروه های دهنش افکن در تدارک حملات بیشتر بر شهرها و روستاهای کشور است و از این فرصت سوء استفاده خواهد کرد.

البته دولت افغانستان باید مواضع و حقانیت خود را در مجامع بین المللی و حقوقی باید ثابت کند. افغانستان کشوری است که از هیچگاه به دنبال تشنج و جنگ نبوده است و به همین خاطر نیز باید این موضع خود را برای سازمان ملل، سازمان های بین المللی و مجامع بین المللی ثابت کند که افغانستان به دنبال روابط نیک با همسایگان خود است و برای حفظ امنیت و ثبات در کشورها و مرزها تلاش می کند. علاوه بر این کشورهای دوست و حامی افغانستان نیز در روشن شدن و حمایت از افغانستان نقش دارند. به عنوان نمونه دو کشور آمریکا و چین به عنوان متحد افغانستان پاکستان شناخته می شوند و بدین جهت نیز می توانند از نفوذ و روابط خود برای تشنج زدایی در مرزهای افغانستان و پاکستان استفاده کنند.

اما این دولت مردان هر دو کشور هستند که باید برای جلوگیری از گسترش بیشتر بحران، اقدامات لازم دیپلماتیک را برای حل بحران روی دست بگیرند. ضررهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که با بروز چنین تشنج هایی بر مردم دو کشور وارد می شود بسیار سنگین خواهد بود.

سیاست خارجی فعال در قدم اول باید موضع برحق افغانستان را در ارتباط با همسایگان در مجامع بین المللی ثابت کند و در گام بعدی از بروز بحران با پیشگیری نماید. علاوه بر این در صورت بروز هر نوع اختلاف و یا تشنج و جنگی باید به طور فوری نسبت به حل آن اقدام نماید تا کشورهای دوست و همسایه در دام یک بحران و تشنج مرزی نیفتند.

در یک نظام حکومتی انتخابی که سلاطین سیاسی و باور رای دهندگان، شکل دهنده سیاست گذاری هاست، رسانه اهمیت ویژه ای پیدا می کند زیرا این نهاد، اطلاعاتی را که مردم با توجه به آن رای می دهند گردآوری و خلاصه سازی کرده و در قالبی خاص ارائه می کند. تحقیقات نشان نشان داده اند که اگر رسانه تصویر نامزدی را به عنوان «بازنده» ترسیم کند، رای دهندگان نیز معمولاً این تصویر را باور کرده و رای دادن به چنین کاندیدایی را بیهوده می پندارند. از این رو همواره این بیم وجود دارد که رسانه ها دیدگاه های سیاسی و اجتماعی مردم را به طور سیستماتیک دستکاری و هدایت کنند. در آمریکا نیز سالها است چنین نگرانی هایی مطرح است.

نظرسنجی های موسسه گلوب نشان می دهد که در سال ۱۹۹۷، ۴۷ درصد مردم آمریکا به رسانه های بی اعتماد بودند اما این میزان اکنون به ۶۰ درصد رسیده است. بسیاری از تحلیل گران، کنش گران و مردم، رسانه های این کشور را متهم به نقض تعهد رسانه های می کنند. اما آیا مصداقی برای چنین اتهاماتی وجود دارد؟

پیش بینی های گمراه کننده شاید مهم ترین مصداق این اتهامات را بتوان در انتخابات نهایی ریاست جمهوری میان ال گور و جورج بوش در سال ۲۰۰۰ مشاهده کرد. انتخاباتی نزدیک و پر حاشیه که سرنویشتی را تنها ۵۲۷ رای در ایالت فلوریدا رقم زد. در آن انتخابات، خبرگزاری ها با توجه به نظرسنجی های خروجی حوزه های رای گیری و آرای شمارش شده اولیه، ابتدا ال گور را برنده انتخابات فلوریدا معرفی کردند. این «پیش بینی» در حالی انجام شد که در یک منطقه ای ایالت هنوز ۱۰ دقیقه به پایان رای گیری باقی مانده بود و اعلام زودهنگام نتیجه مقدماتی، موجب شد تا شماری از رای دهندگان (هر چند اندک) از رای دادن صرف نظر کنند.

اما چندی نگذشت که رسانه ها ناچار شدند تا این «پیش بینی» را پس بگیرند و چند ساعت بعد نیز «پیش بینی» دوم خود که جورج بوش را نامزد پیروز اعلام می کرد، پس گرفتند.

ناظران به اتفاق معتقد بودند که رسانه ها به ترامپ تعلق گرفت. بسیاری بر این باورند

فرشته یزشک



به نحوه پوشش و میزان زمان تخصیص داده شده به دونالد ترامپ زمینه پیروزی او را فراهم کرد. جانبداری رسانه های برنی سندرز، یکی دیگر از منتقدان جدی عملکرد رسانه ها در طول رقابت های مقدماتی ریاست جمهوری آمریکا بوده است. او و حامیانش بارها رسانه ها را به جانبداری از هیلاری کلینتون متهم کردند. بسیاری از حامیان سندرز معتقدند که رسانه ها با پوشش جهت دار نقش عمده ای در شکست او بازی کرده اند. اما آیا در پس این انتقادات، فقط عصبانیت ناشی از عدم پیروزی بر رقیب نهفته است و یا رسانه ها در شکست سندرز نقش داشته اند؟

گاهی به پوشش رسانه های نشان می دهد که اغلب رسانه های هیلاری را از ماه ها قبل پیروز رقابت ها اعلام کردند. برای مثال نیویورک تایمز و واشنگتن پست در بهار و تابستان سال گذشته با انتشار مطالبی چون «هیلاری رودام کلینتون آماده است تا نامزدی حزب دموکرات ها را بدون رقابتی جدی از آن خود کند.» یا «شانس کیم کارداشیان برای ریاست جمهوری از برنی سندرز بیشتر است.» هیلاری را نامزد پلانز اعلام کرده اند. این حزب مشخص خواهد شد. هیلاری کلینتون نیز بی سر و صدا از کنار

این خبر گذشت و در یک توییت تاکید کرد که هنوز سر مردم هفت ایالت به پای صندوق رای نرفته اند. اما حقیقت این است که حتی پیروزی قاطع سندرز در کالیفرنیا نیز نمی توانست تغییر محسوس در نتیجه کلی رقابت ها ایجاد کند. با در نظر داشتن این نکته، آیا منتقدان عملکرد آسوشیتد پرس اشتباه کرده اند؟ بررسی اهمیت انتخابات کالیفرنیا پاسخ به این سوال را روشن تر می کند.

«رسانه ها و سرکوب آرا» کالیفرنیا نه تنها بزرگترین و پر جمعیت ترین ایالت آمریکا، که از نظر جمعیتی نیز یکی از متنوع ترین ایالات این کشور به حساب می آید. نظرسنجی های هفته های پیش از رای گیری در این ایالت حاکی از رقابت بسیار نزدیک میان کلینتون و سندرز بودند. نکته ویژه ای در این نظرسنجی ها مشهود بود: سندرز در جذب آرای اقلیت های نژادی پیشرفت چشمگیری کرده بود. به علاوه، هیلاری کلینتون در رقابت های مقدماتی سال ۲۰۰۸ توانسته بود باراک اوباما را در این ایالت شکست دهد. به همین دلایل نیز این پیروزی برای سندرز اهمیت ویژه ای داشت. پیام قاطع چنین بُردی به نیروهای حاکم حزب دموکرات این بود که نمی توان سندرز و حامیانش را نادیده گرفت و بدین ترتیب قدرت تاثیر گذاری سندرز در شکل دادن سیاست های حزب دموکرات به مراتب افزایش پیدا می کرد. درست است که نتیجه انتخابات کالیفرنیا از نظر درجه اهمیت و نزدیکی با رویدادهای سال ۲۰۰۰ قابل مقایسه نیست. اما ریشه انتقاد به عملکرد رسانه ها واحد است. «اعلام پیروز» انتخابات پیش از پایان رای گیری می تواند سرمد را از رای دادن منصرف کند، و این یعنی سرکوب آرا. در طول این فصل انتخابات نیز منتقدان رسانه ها با تاکید بر این موضوع هشدار داده اند که رسانه ها به نحوه تخصیص زمان، پوشش خبری، تصویرسازی و اعلام نتایج در نتیجه انتخابات نقش داشته اند. تکرار همان انتقاداتی که در سال ۲۰۰۰ نیز مطرح شد و مدیران رسانه ها وعده عدم تکرارش را داده بودند.

استرالیا در استانه انتخابات، آیا سختگیرها علیه پناهجویان کاهش خواهد یافت؟

حسین بهمن



و وابسته به حزب کار گر استرالیا نیز تأیید میکند که با پیروزی هر تیم در انتخابات پالیسی سختگیرانه مهاجرتی استرالیا تغییر نخواهد کرد. بیل شارتن رهبر اپوزیسیون استرالیا میگوید هر کسی که بعد از تاریخ ۲ جولای سال جاری برنده انتخابات باشد پالیسی مبارزه با قاچاقبران مقدم و عمز قوی ما را برای سرکوب قاچاقبران انسان تغییر نخواهد داد. وی تأکید میکند که پالیسی حزب کارگر برای شکست دادن قاچاقبران انسان نیز مانند حکومت کنونی است یعنی به قاچاقبران انسان اجازه نخواهد داد که بار دیگر جان پناهجویان را در مسیر استرالیا به مخاطره اندازد. مالکوم ترنبل نخست وزیر کنونی استرالیا با اشاره به مسئله ورود پنجاه هزار پناهجو در استرالیا در زمان حاکمیت حزب کارگر گفته است که مردم استرالیا بار دیگر نمیتوانند بالای حزب کار گر اعتماد کنند زیرا حزب کارگر قادر به کنترل مرزهای استرالیا نخواهد بود.

بیل شارتن همچنین در واکنش به این اعتراض مالکوم ترنبل نخست وزیر استرالیا گفت میخواهم به وضاحت بگویم که ما قاچاقبران انسان را شکست خواهیم داد. وبه پالیسی باز گشت کشتیه های حامل پناهجویان غیرقانونی ادامه خواهیم داد. قرار است انتخابات استرالیا تاریخ ۲ جولای سال جاری برگزار شود. پالیسی سختگیرانه حکومت استرالیا که سرانجام باعث شد دروازه های استرالیا بروی پناهجویان غیرقانونی مسدود شود ازسوی تونی ابوت در سال ۲۰۱۳ اساسی گذاری شد. افای ابوت که از مخالفان سرسخت مهاجرتی های غیرقانونی به استرالیا بود هدف از اتخاذ این پالیسی را حفظ جان پناهجویان و حفاظت از مرزهای استرالیا عنوان کرده بود. با در نظر داشت آنچه ذکر شد به نظر میرسد که هر دو حزب استرالیا که برای بدست آوردن سمت نخست وزیر استرالیا در انتخابات با هم رقابت میکنند روی یک مسئله باهم توافق نظر دارند و انهم اینکه دیگر اجازه هیچ پناهجویی به صورت غیرقانونی وارد استرالیا نشود. بنا گفته می توانیم که دروازه های بقی پناهجویان غیرقانونی همچنان مسدود باقی خواهد ماند. ازسوی مسئله باز گرداندن کشتیه های حامل پناهجویان غیرقانونی به کشورهای مبدا ازسوی استره محکمه استرالیا نیز تصویب شده است به این معنی که اکنون جلوگیری از ورود پناهجویان غیرقانونی به ایهای استرالیا به یک قانون تبدیل شده است و حکومت استرالیا بدون در نظر داشت گرایش های حزبی شان مکلف هستند که قوانین را تطبیق کنند. روی این اصل نیز گفته می توانیم که حکومت بعدی استرالیا نیز قادر نخواهد بود که در پالیسی مهاجرتی این کشور تغییرات بیاورد.

۷۶ کرسی مجلس نمایندگان احتیاج دارد. انتخابات آتی فرصتی را در اختیار حزب کار گر قرار می دهد که با کسب ۶۲ کرسی نامنظم مناطقی که کاملن در اختیار هیچ حزبی نیست و به طور بالقوه امکان کسب آن وجود دارد، حکومت را دوباره در دست بگیرد. اگر هر دو حزب عمده، تعداد نماینده برابر در مجلس نمایندگان داشته باشند، در آن صورت مجلس معلق به وجود خواهد آمد. آخرین نمونه چنین مجلسی در انتخابات سال ۲۰۱۰ بود که هیچ یک از احزاب عمده نتوانستند ۷۶ کرسی لازم برای تشکیل دولت را کسب کنند. این اتفاق باعث شد که حزب لیبرال دولت با کسب حمایت سه عضو مستقل و نیز نمایندگان گرین ها است. دولت را کسب کنند. این اتفاق باعث شد که حزب لیبرال دولت با کسب حمایت سه عضو مستقل و نیز نمایندگان گرین ها است. سبزه ها در مجلس، دولت اقلیت تشکیل دهد. انتظار می رود که بیش از ۱۵۶ میلیون استرالیایی در روز رای گیری پای صندوق های رای حاضر شوند. انتخابات فدرال استرالیا در ۸ هزار جایگاه اخذ رای در سراسر استرالیا روز ۲ جولای، از ساعت ۸ صبح تا ۶ بعد از ظهر برگزار خواهد شد. یکی از موضوعات جدی و چالش اساسی در حکومت بعدی استرالیا نیز مسئله پناهجویان خواهد بود. مسدود شدن راه استرالیا بروی پناهجویان غیرقانونی که حاصل حاکمیت لیبرالاست نقطه عطفی برای مردم استرالیا دستکم طی آینده سال گذشته به شمار میرود. مالکوم ترنبل نخست وزیر کنونی استرالیا اکنون این مسئله را به عنوان دستاورد خود و حزبش به رخ مردم استرالیا میکشد. از سویی هم بیل شارتن رقیب افای ترنبل نیز اعتراف میکند که مسدود شدن راه های استرالیا بروی پناهجویان غیرقانونی یک دستاورد خوب برای مردم استرالیا بوده است. این در حالیست که حزب کارگر در سالهای ۲۰۱۰

ان خود کند. نظام فدرال استرالیا بر اساس قانون اساسی قدرت را بین کامن ولث یا دولت فدرال و شش ایالت تقسیم می کند. تمام قوانین وضع شده در پارلمان باید در هر دو مجلس نمایندگان و سنا تصویب شود و سپس به امضای فرماندار کل برسد. مجلس سنا که اغلب از آن با نام مجلس علیا یا «Upper House» یاد می شود، از ۷۶ نماینده تشکیل شده است؛ ۱۲ نفر از هر یک از ایالت های شش گانه، و دو نفر از هر یک از تریوتی ها. نقش اصلی این مجلس بازبینی لواحی است که از سوی دولت مستقر ارائه می شود. در نظام فدرال استرالیا، قدرت حاکمه به دولت مرکزی و هر یک از ایالت ها تقسیم می شود. پارلمان استرالیا شامل ملکه - که نماینده ایشان فرماندار کل است - مجلس سنا و مجلس نمایندگان است. دولت فدرال استرالیا به سه قوه: مقننه، مجریه و قضائیه تقسیم می شود. سناتورها یک دوره شش ساله در این سمت باقی می مانند، و در هر دوره انتخابات، نیمی از این افراد در پروسه انتخابات فدرال انتخاب می شوند. مجلس نمایندگان که اغلب به نام مجلس عوام یا «lower house» یا مجلس مردم خوانده می شود، شامل ۱۵۰ نماینده است که از حوزه های انتخابی در سراسر استرالیا که حدوداً جمعیتی برابر دارند، برای سه سال انتخاب می شوند. تفاوت تراکم جمعیتی موجب می شود که برخی حوزه های انتخاباتی در شهرها از حیث مساحت کوچک تر باشند در حالی که حوزه های انتخاباتی در مناطق روستایی بزرگ تر است. دولت ائتلافی در حال حاضر به رهبری نخست وزیر مالکوم ترنبل، ۹۰ کرسی از مجموع ۱۵۰ کرسی مجلس نمایندگان را در اختیار دارد، در حالی که حزب اصلی مخالف، یعنی حزب کارگر ۵۵ کرسی دارد. حزب حاکم برای برنده شدن در انتخابات به کسب دست کم



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

د.دیزاین: علی زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
کاریکاتورست: خالق علی زاده

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسئول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
کاریکاتورست: خالق علی زاده

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

